

نسبت تعالی ارزش‌ها و عدالت اقتصادی در عصر نبوی

* سید محمدمهدی موسوی نژاد

** جواد سلیمانی امیری

چکیده

این مقاله با رویکرد توصیفی و تحلیلی، تأثیر ارزش‌های معنوی را بر جریان عدالت اقتصادی و نیز نقش شکل‌گیری عدالت اقتصادی را در اعتلای ارزش‌ها به‌عنوان بخشی از وضعیت فرهنگی تاریخ عصر نبوی مورد تحقیق قرار می‌دهد. برای تحلیل، از مفهوم ارزش در دانش روانشناسی اخلاق، بهره گرفته و چپ‌نشین مطالب با استفاده از مبحث عوامل انگیزشی در این دانش، رقم خورده است. ضمن آنکه پیش‌فرض کلامی روشنی داشته و اطلاعات با در نظر گرفتن نقش هدایت‌گری رسول‌الله ﷺ در تقویت باور و امید نسبت به هدایت تشریحی الهی، طرح گردیده‌اند. نتیجه چنین شد که ابتدا عدالت اقتصادی در عصر نبوی با واسطه ایجاد ارزش‌های معنوی در اثر تبلور باور نسبت به هدایت تشریحی الهی رخ داده و از سوی دیگر، این توان را داشت که مجدداً با تقویت باور فوق و تقویت بنیان حاکمیت توحیدی، زمینه‌ساز اعتلای ارزش‌ها گردد.

واژگان کلیدی

نسبت، عدالت اقتصادی، ارزش، اعتلای ارزش‌ها، عصر نبوی.

طرح مسئله

تحقیقاتی که مسئله عدالت اقتصادی در عصر نبوی و ارزش‌های مربوط به آن را بررسی کرده‌اند، غالباً براساس رویکرد جامعه‌شناختی بوده و این مسئله را متأثر از فرهنگ جامعه دانسته‌اند. اما به نقش فرهنگ‌سازی آن توجه ننموده‌اند. همچنین پیش‌فرض کلامی روشنی نداشته و جایگاه باورها و ارزش‌های توحیدی را در فرهنگ مؤثر، بررسی نکرده‌اند. برای نمونه، مقاله آقایان حسین عبدالمحمدی و محمدعلی توحیدی با عنوان «نقش فرهنگ در توسعه اجتماعی با تأکید بر نقش باورها و ارزش‌های دینی (با مطالعه جامعه حجاز در عصر نبوی)» با رویکرد جامعه‌شناختی و فارق از مبنای کلامی روشن، ارزش‌های دینی را بخشی از فرهنگ جامعه عصر نبوی دانسته و تأثیر آن را در شکل‌گیری عدالت اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین مقاله سرکار خانم هدیه تقوی با عنوان «چالش سنت با دین در بُعد اقتصادی در عصر نبوی»، نقش ارزش‌های دینی در اجرای عدالت اقتصادی و چالش‌های شناختی و ارزشی آن در عصر نبوی را تحقیق کرده است. این مقاله نیز فارق از مبنای کلامی روشنی بوده و تنها رویکرد جامعه‌شناختی دارد. همچنین کتاب *تاریخ تحلیلی اسلام* (تألیف دکتر جواد سلیمانی) فراز و فرود شناخت‌ها و ارزش‌ها و نیز تأثیر آنها را بر کنش‌هایی چون عدالت گستری و اصلاح نظام اقتصادی از عصر جاهلی تا واقعه عاشورا، مورد بررسی قرار داده ولی مبنای جامعه‌شناختی داشته و با رویکرد کلامی مشخص و واضحی به مقوله عدالت اقتصادی، به‌عنوان عامل انگیزشی در شکل‌دهی فرهنگ بنیادی (توحیدی) جامعه توجه نشده است.

اما این مقاله در پی آن است که با یک رویکرد روان‌شناختی، یعنی با توجه به نقش انگیزشی عدالت اقتصادی، توان آن را در شکل‌دهی ارزش‌ها مورد سنجش قرار دهد. در بخش تبیین مفاهیم، پیرامون این رویکرد توضیح داده خواهد شد. باید توجه داشت که عدالت اقتصادی، ارزش‌های هماهنگ با فرهنگ مؤثر در خود را گسترش می‌دهد. ما در تحقیق، برای نیل به فرهنگ بنیادی که در این راستا ایفای نقش می‌کند، با پیش‌فرض کلامی مشخصی وارد بحث شده و به جنبه توحیدی اندیشه‌ها و ارزش‌ها پرداخته‌ایم. پیش‌فرض کلامی ما چنین است که باور و امید نسبت به هدایت تشریحی الهی، مهم‌ترین و ریشه‌ای‌ترین عامل در اعتلای ارزش‌هاست. ضمن اینکه این باور و امید از میان مراتب توحید، نزدیک‌ترین و مؤثرترین عامل در انتخاب انسان و بروز رفتار است. نیز باید توجه نمود که ارزش‌ها به هر اندازه که جنبه توحیدی داشته باشند، متعالی خواهند بود. یعنی ارزش‌های توحیدی که از توحیدباوری متأثر شده‌اند، متعالی هستند و در غیر این صورت، بهره‌ای از اعتلا

نخواهند داشت. لذا بدون بررسی وضعیت توحیدباوری و تأثیر آن بر ارزش‌ها، چگونه می‌توان تعالی ارزش‌ها را سنجید؟! و با عدم تحقیق در وضعیت باور به هدایت تشریحی الهی، نمی‌توان میزان توحیدباوری را مورد ارزیابی قرار داد. در پرتو اهمیت دادن به باور فوق، یک پیش‌فرض کلامی دیگر نیز برای ما حاصل می‌گردد که عبارتست از ضرورت توجه خاص رسول گرامی اسلام ﷺ به راهکارهای تقویت این باور برای اصلاح ارزش‌ها. این روش و استفاده از این پیش‌فرض‌ها به ما کمک می‌کند تا توان فرهنگ‌سازی عوامل انگیزشی چون عدالت اقتصادی در گسترش ارزش‌های توحیدی را مورد سنجش قرار دهیم.

هدف ما از این پژوهش، بررسی نقش ارزش‌های توحیدی در جریان عدالت اقتصادی و نیز سنجش توان عدالت اقتصادی در تقویت این ارزش‌ها در عصر نبوی است. در این تحقیق، تنها نقاط قوت در زمینه توحیدباوری، عدالت اقتصادی و ارزش‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند. لذا این مقاله، رویکرد آسیب‌شناسانه ندارد. زیرا محدودیتی که تألیف یک مقاله اقتضا می‌کند، مجالی برای توجه هم‌زمان به نقاط قوت و آسیب‌ها را فراهم نمی‌کند. همچنین تحقیق در نقاط مثبت و ارزش‌های متعالی که بخشی از وضعیت فرهنگی عصر نبوی را تشکیل می‌دهند، برای رسیدن به هدف ما کافی است.

تبیین مفاهیم کلیدی

واژه ارزش در علوم مختلف^۱ استفاده شده است. اما می‌توان «مطلوب بودن» را به‌عنوان مفهومی جامع و مشترک میان تمام این موارد، استخراج نمود.^۲ از منظر جامعه‌شناختی، به باورها و عقاید ریشه‌داری که گروه اجتماعی، هنگام سؤال از بدی‌ها و خوبی‌ها، برتری‌ها و کمال مطلوب به آن رجوع می‌کند، ارزش می‌گویند.^۳ در این تعریف، ارزش شامل نوعی از باورها^۴ است. اما بر نوعی دیگر از باورها^۵ که صحت و بطلان اطلاعات را مورد بررسی قرار می‌دهند، دلالتی ندارد. مفهوم ارزش در جامعه‌شناسی، بخشی از فرهنگ جامعه، نتیجه شناخت‌ها و حاصل تعاملات اجتماعی است.^۶ ولی در

۱. مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اخلاق، اقتصاد، حقوق، هنر، علوم سیاسی و ...

۲. رضوانی، *نظام اولویت‌بندی و سلسله مراتب ارزش‌های اخلاقی در قرآن*، ص ۱۸؛ مصباح یزدی، *فلسفه اخلاق*، ص ۱۱۳ - ۱۰۹.

۳. کوئن، *مبانی جامعه‌شناسی*، ص ۷۰.

۴. ایدئولوژی‌ها.

۵. جهان‌بینی‌ها.

۶. محلوجی، *باز مرجعیت باورها و ارزش‌های جاهلی در سه دهه اول پس از رحلت رسول خدا ﷺ*، ص ۲۰.

روان‌شناسی اخلاق و بر اساس اندیشه فلسفی، منظور از ارزش‌های فردی و اجتماعی، مرحله‌ای در سلسله عوامل انگیزشی است که در ابتدا و در بسیاری از مواقع، قبل از مرحله شناخت قرار می‌گیرد. یعنی میل و مطلوبیت فطری که در انسان موجود است و از آن به احساس، گرایش، عاطفه، نیاز و انگیزه درونی^۱ هم تعبیر می‌شود.^۲ که البته این تعبیرها به دلیل نزدیکی و ارتباط مفاهیم ذکرشده با مفهوم ارزش، به کار گرفته شده‌اند. در واقع، این قلب است که نخستین درک را در وجود انسان رقم می‌زند. قلب نیاز قوه احساس را دریافته و احساسات، گرایش یا ارزش‌هایی را درون انسان ایجاد می‌کند.^۳ البته این ارزش‌ها در رشد و تغییر و تحول خود، از شناخت‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی نیز تأثیر می‌پذیرند.^۴ ارزش‌ها به دو نوع کلی ارزش‌های مادی و ارزش‌های معنوی تقسیم می‌گردند. درک قوای نفس از نیازهای مادی، سبب بروز ارزش‌های مادی شده و فهم این قوا از نیازهای معنوی خویش، ارزش‌های معنوی را جلوه‌گر می‌سازند. لذا نوع فهم قلب، می‌تواند نوع این ارزش‌ها را رقم بزند و یکی را بر دیگری برتری دهد. بنابراین مراد ما از ارزش، نوعی از باور نیست. بلکه مفهومی است که در گام نخست، معلول قوه احساس فرد و آحاد جامعه بوده و از باورهای قلبی، متأثر می‌شود و در قالب گرایش ظهور می‌یابد. ارزش‌ها در گام دوم از شناخت‌ها و رفتارهای فرد و جامعه تأثیر پذیرفته و ملکات نفسانی و نیز بخشی از فرهنگ جامعه را تشکیل می‌دهند. بنابراین ارزش، همواره با قوه احساس انسان ارتباط دارد و با وجود تأثیرپذیری از باورها، در قالب یک اعتقاد در نمی‌آید. این ارزش‌ها هرچند از رفتارها و شناخت‌ها تأثیر می‌پذیرند، اما جنبه قلبی و احساسی خود را حفظ می‌کنند و در همین قالب، در کنار شناخت‌ها عاملی مهم در انگیزش انسان‌ها هستند.

عامل اصلی که میزان درک قلب از نیازهای نفس را رقم می‌زند، وضعیت توحید باوری است. زمانی ارزش‌های مادی در فرد یا جامعه‌ای غلبه می‌یابند که قلب، تیره گشته و از درک آن نسبت به مراتب توحیدی، بسیار کاسته شود. توحیدباوری سبب می‌شود که خدا و منبع معنویت در ذهن و قلب انسان، خواستگاه هستی دانسته شوند. این گونه، احساس او رشد پیدا می‌کند و به نیازهای معنوی خود توجه نموده و آنچه که این سنخ از نیازها را برآورده کند، ارزش می‌داند. لذا ارزش‌های والا و معنوی،

۱. مصباح یزدی، *حقوق و سیاست در قرآن*، ص ۱۳۴ - ۱۳۲.

۲. نوری، «عوامل و ساختار انگیزش رفتار انسان در اندیشه علامه طباطبایی»، *روانشناسی و دین*، ش ۴۰، ص ۱۲.

۳. طباطبایی، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، ج ۲، ص ۱۸۲؛ دهقانی، *فروع حکمت*، ج ۲، ص ۲۹۳.

۴. مصباح یزدی، *معارف قرآن*، ج ۳، ص ۴۲۵؛ نوری، «عوامل و ساختار انگیزش رفتار انسان در اندیشه علامه

طباطبایی»، *روانشناسی و دین*، ش ۴۰، ص ۸؛ طباطبایی، *المیزان*، ج ۱، ص ۳۵۵ - ۳۵۴.

از منبع توحیدباوری نشئت می‌گیرند و بدون توجه به وضعیت توحیدباوری و سنجش ارزش‌های توحیدی، نمی‌توان از اعتلای ارزش‌ها سخن گفت. اما از میان مراتب توحیدباوری، باور به ربوبیت (هدایت) تشریحی الهی^۱ اساسی‌ترین نقش را در درک قلب از نیاز قوای نفس، غلبه ارزش‌های مادی یا معنوی، تحریک قوه اختیار و بروز رفتارها ایفا می‌کند.^۲ نقطه کمال این باور، جایی است که به یک شناخت راسخ تبدیل شده باشد. یعنی باور قلبی و شناخت عقلی را در بر بگیرد.^۳ اما تصدیق یا انکار قلبی نسبت به پروردگاری بی‌نقص در هدایت تشریحی خلق، جوهر عوامل انگیزشی را تشکیل می‌دهد. چه این که این باور، به شناختی راسخ تبدیل نشود.^۴ فراز و فرود باور قلبی نسبت به ربوبیت تشریحی الهی یا تصدیق و انکار قلبی آن، چنان نقش محوری در غلبه ارزش‌های مادی یا معنوی دارند که با تحقیق در ارزش‌ها، می‌توان به وضعیت باور فوق پی برد. به طوری که غلبه ارزش‌های مادی، نشانگر ضعف باور قلبی و یا انکار ربوبیت تشریحی بوده و غلبه ارزش‌های معنوی، علامت قوت باور فوق و تصدیق آن است.^۵ لذا مراد ما از باور در این تحقیق، باور قلبی است.

منظور ما از رویکرد روان‌شناختی که در این مقاله به کار رفته، استفاده از مفهوم ارزش بر مبنای دانش روان‌شناسی اخلاق است. طبق مطالبی که بر اساس همین رویکرد بیان شد، می‌توان تصور روشنی از تأثیرگذاری ارزش‌ها بر سایر عوامل انگیزشی و تأثیرپذیری از آنها داشت. این رویکرد به نسبت رویکردی که مفهوم ارزش را از دانش جامعه‌شناسی اقتباس می‌کند، به جامعیت تحقیق‌ها کمک افزون‌تری خواهد نمود. به‌ویژه اینکه با استعانت از پیش‌فرض کلامی که به آن اشاره شد، می‌توان تأثیر متقابل باور به ربوبیت تشریحی الهی (خصوصاً باور قلبی از آن) و ارزش‌ها را سنجید و در وضعیت آنها تحقیق نمود. گفتیم که بدون توجه به این مسئله، نمی‌شود تعالی ارزش‌ها را بررسی کرد.

۱. توحیدباوری در مرتبه ربوبیت تشریحی الهی عبارت است از باور به جریان علم، حکمت و قدرت بی‌منتها، یگانه و یکتای خداوند در هدایت انسان‌ها در امور مربوط به دیانت. این باور، ایمان به نبوت و امامت که در طول ربوبیت تشریحی خداوند هستند را هم شامل می‌شود. (ر. ک: جوادی آملی، *توحید در قرآن*، ص ۴۳۰ - ۴۲۶؛ مصباح یزدی، *آموزش عقاید*، ص ۸۴ و ۳۸۲ - ۳۷۹)
۲. ر. ک: مصباح یزدی، *حقوق و سیاست در قرآن*، ص ۱۳۴ - ۱۱۳؛ مصباح یزدی، *معارف قرآن*، ج ۱، ص ۷۰ - ۶۴ و ج ۳، ص ۳۵۴ - ۳۵۲.
۳. ر. ک: خزاعی، «باور دینی، انگیزش و التزام اخلاقی»، *الهیات تطبیقی*، ش ۱۲، ص ۸۹ - ۸۸.
۴. ر. ک: نوری، «عوامل و ساختار انگیزش رفتار انسان در اندیشه علامه طباطبایی»، *روانشناسی و دین*، ش ۴۰، ص ۱۳.
۵. ر. ک: مصباح یزدی، *معارف قرآن*، ج ۳، ص ۴۳۲ - ۴۲۰؛ دهقانی، *فروع حکمت*، ج ۲، ص ۲۹۳.

«عدل» در لغت، نقیض «جور» و به معنای رساندن حق به صاحب آن بوده^۱ و منظور از عدالت اقتصادی، ادای حقوق مالی نسبت به صاحبان آنها و ایجاد توازن اقتصادی در جامعه است.^۲ گاهی ممکن است که افراد، از حقوق مساوی برخوردار باشند، اما همواره این گونه نیست. لذا هرچند عدل، شامل مساوات هم می‌شود اما رابطه مفعوم عدل با مساوات، تساوی نیست.^۳ بلکه عموم و خصوص من وجه است. یعنی در مواردی ممکن است که مساوات، از عدالت به دور باشد.^۴ مطابق آیین اسلام، معیار حق و شاخص‌های تعیین‌کننده جایگاه آن، صلاحیت افراد و ملاک خاصی است که شرع براساس مبانی خود در نظر می‌گیرد. استناد به این دو معیار نیز مقتضای عدل است. زیرا همان‌طور که گفتیم؛ عدل به معنای رساندن حق، به صاحب آن است. اجرای عدالت و تعیین مصداقش، زیرمجموعه هدایت تشریحی بوده و توحیدباوری در زمینه هدایت تشریحی و التزام به این هدایت، خواستگاه حق و مبنای تحقق آن است.^۵ لذا بدون استعانت از ملاک‌های شرع توحیدی، نمی‌توان حق و جایگاه آن را تعیین کرد. اجرای عدالت، رفتاری است که ارزش‌های متناسب با خود را در جامعه نهادینه می‌کند. با عدالت‌گستری طبق یک معیار توحیدی، ارزش‌های والای توحیدی رونق می‌یابند. اما مطابق معیارهای مادی چون اندیشه‌های تساوی‌نگر، رواج ارزش‌های مادی و غیر متعالی را شاهد خواهیم بود.

تأثیر غلبه ارزش‌های مادی بر تبعیض اقتصادی در عصر جاهلی^۶

غلبه ارزش‌های مادی، شاخصه اصلی جاهلیت دوران نزدیک به ظهور اسلام در سرزمین عرب بوده است.^۷ از جمله این ارزش‌ها، برتری دادن به پدران و پسران قبیله،^۸ اهمیت فوق‌العاده مال‌اندوزی و جایگاه برتر ثروتمندان بودند.^۹ غلبه ارزش‌های مادی، اندیشه حقانیت صاحبان برتری مادی را شکل می‌داد. اندیشه‌ای که قرآن با نام «ظن جاهلی» از آن یاد می‌کند.^{۱۰} یعنی برتری دادن به کسانی که از

۱. فراهیدی، مدخل «عدل»، کتاب العین، ج ۲، ص ۳۹-۳۸؛ ابن منظور، مدخل «عدل»، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۳۰.
۲. رجایی، و معلمی، «درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن»، معرفت اقتصادی، ش ۲، ص ۱۲.
۳. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۵۱.
۴. مصباح یزدی، حقوق و سیاست در قرآن، ص ۴۳.
۵. ر. ک: همان، ص ۸۰ و ۱۱۰-۱۰۷ و ۱۳۴-۱۲۶ و ۱۵۸.
۶. ورود به این بحث به دلیل نقش مقدمه‌ای که دارد، لازم است.
۷. ر. ک: پیش، مقایسه دو دوره جاهلیت و اسلام و علل گسترش اسلام، ص ۲۲.
۸. آلوسی، بلوغ الأرب، ج ۱، ص ۲۷۹؛ حاج حسن، حضارة العرب فی عصر الجاهلیة، ص ۱۴۶.
۹. البکری الأندلسی، معجم ما استعجم، ج ۲، ص ۴۴۴؛ خزعلی، تصویر عصر جاهلی در قرآن، ص ۱۹۸-۱۹۳.
۱۰. ر. ک: آل عمران / ۱۵۴.

ثروت بیشتر و شأن اجتماعی برخوردار بودند، سبب می‌گشت که آنان را بر حق بدانند. زیرا گفته می‌شد که خدا آنها را از آن جهت که بر مسیر حقیقت بوده‌اند، برتری داده است. نتیجه این اندیشه، موجب پذیرش بی‌چون‌وچرای دستورات اشراف و رؤسای قبایل می‌شد.^۱ لذا در پی اندیشه نخست، اندیشه حقانیت تشریح صاحبان برتری مادی نیز شکل می‌گرفت. این اندیشه در ابتدا به اشراف، این اجازه را می‌داد تا احکام ناعادلانه‌ای چون ربا را در مورد معاملات وضع کرده و خود از عوامل عمده اجرایی آنها باشند. توسط این رفتارها، الگوهای ناعادلانه‌ای چون غش در معاملات و کم‌فروشی، مشروع و مرسوم جلوه می‌کردند. تا جایی که اشراف (خصوصاً اشراف مدینه) از این مجاری به قدرت می‌رسیدند.^۲ مردم نیز که در برابر این تفکر قیامی نمی‌کردند، تابع اشراف شده و به این بی‌عدالتی‌ها تن می‌دادند. لذا اندیشه حقانیت تشریح صاحبان برتری مادی، مبنای معاملات ناعادلانه در دوران جاهلی بود.

مطابق آنچه در بخش مفاهیم بیان کردیم باید گفت عامل غلبه ارزش‌های مادی، ضعف باور (عموماً ضعف باور قلبی) نسبت به هدایت تشریحی الهی بود. این ضعف سبب می‌شد که اعراب، هدایت الهی را دلیل اطاعت‌پذیری ندانند. این امر، موجب تیرگی قلب‌ها و غلبه ارزش‌های مادی بود. تا اینکه پس از آن، تقلید بی‌چون و چرای عرب از صاحبان برتری مادی نمایان می‌گشت.^۳ سایر عوامل تبعیض نیز از ارزش‌های مادی متأثر بودند^۴ که در ادامه مطالب بیان می‌گردند.

تفکر جبر نیز در تبعیض‌ها تأثیرگذار بود. زیرا مشرکین دستور انفاق به مستضعفین را رد کرده و می‌گفتند اگر خدا می‌خواست آنها را گرسنه نمی‌گذاشت.^۵ این تفکر نیز از برتری دادن به غلبه مادی و اندیشه حقانیت صاحبان برتری مادی تأثیر می‌پذیرفت. زیرا مقرب دانستن طبقه مرفه و اشراف، تبعیض را خواست خدا جلوه می‌داد. در نتیجه مرفهین، غیرتی برای اطعام فقیران به دل راه نمی‌دادند،^۶ و طبقه ضعیف نیز برای تغییر وضعیت خویش اقدامی نمی‌کردند.

از طرفی افزایش تبعیض‌ها در ضعف باور به معاد ریشه داشت. به گونه‌ای که این ضعف در منع حقوق یتیمان، نمایان می‌شد. یعنی از آن جهت که باوری به روز جزا نداشتند، حقوق مسلم یتیمان را

۱. ر. ک: بقره / ۱۷۰؛ مائده / ۱۰۴؛ لقمان / ۲۱؛ سبا / ۴۳؛ زخرف / ۲۲.

۲. ر. ک: بقره / ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۸؛ آل عمران / ۱۳۰؛ نساء / ۱۶۱؛ روم / ۳۹؛ مطففین / ۳ - ۱؛ واقعی، *المغازی*، ج ۳، ص ۹۶۸ - ۹۶۴؛ ابن هشام، *السیرة النبویة*، ج ۲، ص ۶۰۳.

۳. ر. ک: بقره / ۱۷۰؛ مائده / ۱۰۴؛ لقمان / ۲۱؛ سبا / ۴۳؛ زخرف / ۲۲.

۴. ر. ک: بینش، *مقایسه دو دوره جاهلیت و اسلام*، ص ۲۲ و ۲۹ - ۲۷.

۵. یس / ۴۷؛ شهرستانی، *الملل و النحل*، ج ۱، ص ۲۹.

۶. حاقه / ۳۴؛ ماعون / ۳.

از آنان دریغ می‌کردند.^۱ بنیاد این ضعف باور را نیز باید در ارزش‌های مادی جستجو کرد.^۲ وابستگی به دنیا، ظاهرگرایی را پدید می‌آورد و آدمی را از عقلانیت و اعتقاد به عوالم غیب دور می‌ساخت.^۳ لذا دنیاگرایان، باور به لزوم حساب و کتاب در عالمی کامل‌تر را انکار کرده و نادیده‌ها را باطل می‌شمردند.^۴ بنابراین ضعف باور به معاد، نوعی ظاهرگرایی بود. مشرکین مکه، از کیش بت‌پرستی (آیین عبادت خدایان مادی) برای رواج ظاهرگرایی بهره می‌بردند و همین آیین، بقای قدرت اقتصادی آنان را تضمین می‌کرد. لذا نفی بت‌پرستی توسط اسلام، مبنای ظاهرگرایی را زایل کرده و به این طریق، بنیان برتری‌های مادی سران قبایل و بی‌عدالتی‌های اقتصادی را می‌لرزاند.^۵ برای همین، مقابله با بت‌ها خشم و دشمنی قریش را برمی‌انگیخت.^۶

نقش باور و ارزش‌های توحیدی در جریان عدالت اقتصادی در عصر نبوی

گفتیم که غلبه ارزش‌های مادی، عامل ریشه‌ای در قدرت یافتن اشراف و تبعیض اقتصادی بود. اما با اصلاح ارزش‌ها در عصر نبوی، عامل قدرت سران عرب و زمینه تبعیض‌ها سست می‌شدند.^۷ زیرا زوال ارزش‌های مادی، انگیزه مردم را در تبعیت از اشراف قبایل می‌ربود. آزار و شکنجه مسلمین^۸ و سه سال تحریم اجتماعی و اقتصادی بنی‌هاشم توسط قریش،^۹ این توان را داشت تا ارزش‌های مادی باقی مانده از عصر جاهلی را تحریک نماید.^{۱۰} اما کمتر چنین فرصتی را می‌یافت. تنها ماهیت پوچ شرک بود که برای مردم هویدا می‌گشت و سبب گرایش به اسلام می‌شد.^{۱۱} بلال در حال شکنجه شدن، ندای توحید سر می‌داد.^{۱۲} و ابوذر غفاری با پذیرش خطر ضرب‌و‌شتم، از خدای واحد و رسول او

۱. ر. ک: ماعون / ۳ - ۱؛ طباطبایی، *المیزان*، ج ۲۰، ص ۳۶۸.
۲. ر. ک: خزعلی، *تصویر عصر جاهلی در قرآن*، ص ۱۷۹.
۳. ر. ک: نمل / ۶۶؛ طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۵، ص ۳۸۷ - ۳۸۶.
۴. ر. ک: ابراهیمی و رکیانی، *تاریخ تحلیلی اسلام*، ص ۷۷.
۵. ر. ک: بلاذری، *جمل من انساب الأشراف*، ج ۱، ص ۲۳۰؛ یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۲۴؛ طبری، *تاریخ الأمم و الملوک*، ج ۲، ص ۳۲۶؛ ابن‌اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۲، ص ۶۴.
۶. ابن‌هشام، *السیرة النبویة*، ج ۱، ص ۲۶۴؛ ابن‌سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۱، ص ۱۵۸؛ بطروشفسکی، *اسلام در ایران*، ص ۲۶.
۷. ر. ک: جعفریان، *تاریخ سیاسی اسلام*، ص ۶۹ - ۶۸ و ۸۷ - ۸۶.
۸. ر. ک: بلاذری، *جمل من انساب الأشراف*، ج ۱، ص ۱۹۷؛ طبری، *تاریخ الأمم و الملوک*، ج ۲، ص ۳۲۷.
۹. ر. ک: بلاذری، *جمل من انساب الأشراف*، ج ۱، ص ۲۳۴.
۱۰. ر. ک: پیشوایی، *تاریخ اسلام*، ص ۱۶۵.
۱۱. ر. ک: یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۲۸ و ۳۲.
۱۲. ابن‌هشام، *السیرة النبویة*، ج ۱، ص ۳۱۸.

دم می‌زد.^۱ بنی‌هاشم نیز در برابر تحریم‌های شدید، مقاومت می‌کرد.^۲ مسلماً این اتفاقات، از ارزش‌های تعالی یافته مسلمانان تأثیر می‌پذیرفتند. اسلام، توحیدباوری و رفتار توحیدی را ارزش و عامل حقانیت می‌دانست.^۳ همچنین نشان و گواه ارزش‌های والای توحیدی چنین بود که محبت درون‌قبیله‌ای عرب، به نفع محبت درون‌دینی کنار می‌رفت. و بغض‌ها و کینه‌های بیرون‌قبیله‌ای، به دشمنی در برابر کفار تبدیل می‌گشتند.^۴

اعتلای ارزش‌ها، به شکل‌گیری فرهنگ مواسات و برادری کمک می‌کرد. رسول اکرم ﷺ در سال اول هجرت، میان مهاجر و انصار پیمان برادری برقرار نمودند.^۵ که به معنای زدودن اختلافات دو نژاد عرب قحطانی (عرب جنوبی) و عدنانی (عرب شمالی) بود.^۶ در حجة‌الوداع نیز به زدودن کینه‌های جاهلی اصرار ورزیده^۷ و بر برادری مسلمانان تأکید نمودند.^۸ فرهنگ مواسات نیز روند اجرای عدالت را تسهیل می‌نمود.^۹ لذا این امکان فراهم می‌شد تا پیامبر ﷺ در اجرای حدود الهی، قاطع باشند و تفاوتی میان اقشار مختلف جامعه قائل نگردند.^{۱۰} اما همانطور که اعتلای ارزش‌ها با واسطه ایجاد فرهنگ برادری، به اجرای عدالت کمک می‌کرد، عدالت نیز در قالب نوعی رفتار و به‌عنوان یک عامل انگیزشی، در اعتلای ارزش‌ها مؤثر بود.^{۱۱} در بخش بعد به نحوه تأثیر اجرای عدالت اقتصادی بر اعتلای ارزش‌ها خواهیم پرداخت.

گفتیم که در عدالت اسلامی، آنچه معیار تعلق یک مال را تعیین می‌کند، شریعت الهی است.

۱. ابن‌سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۴، ص ۱۷۰.
۲. امام اول شیعیان، *نهج البلاغه*، ن ۹، ص ۳۶۸.
۳. ر. ک: امام چهارم شیعیان، *صحیفه سجادیه*، ص ۳۴.
۴. ر. ک: فتح / ۲۹؛ عاملی، *المزار*، ص ۱۵؛ مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۹۷، ص ۱۸۵؛ سنن قبیلگی و بسیاری از خصلت‌های عرب، همان قدر که مانعی بر سر راه گسترش اسلام بود، یک امتیاز به‌شمار می‌آمد. چه اینکه اسلام به مرور، پیوندهای قبیلگی را در خود حل می‌کرد. (ر. ک محمدی، *تأثیر روش تربیتی رسول خدا ﷺ در گسترش اسلام*، ص ۳۶ - ۳۵؛ *مقایسه دو دوره جاهلیت و اسلام و علل گسترش اسلام*، ص ۱۶۶ - ۱۶۵)
۵. ابن‌هشام، *السیرة النبویة*، ج ۱، ص ۵۰۵ - ۵۰۴.
۶. پیشوایی، *تاریخ اسلام*، ص ۲۰۶.
۷. واقدی، *المغازی*، ج ۳، ص ۱۱۰۳.
۸. ابن‌هشام، *السیرة النبویة*، ج ۲، ص ۶۰۴.
۹. ر. ک: عبدالحمیدی، و توحیدی، «نقش فرهنگ در توسعه اجتماعی با تأکید بر نقش باورها و ارزش‌های دینی (با مطالعه جامعه حجاز در عصر نبوی)»، *زبان و فرهنگ ملل*، ش ۲، ص ۱۵۸ - ۱۵۵.
۱۰. برای نمونه، ر. ک: قاضی ابویوسف، و دیگران، *الخراج*، ص ۱۵۳؛ بخاری، *صحیح بخاری*، ج ۸، ص ۱۶۰.
۱۱. در بخش تبیین مفاهیم به روند تأثیرپذیری رفتارها از ارزش‌ها و تأثیرگذاری متقابل رفتارها بر ارزش‌ها، اشاره کردیم.

باور عمیق به هدایت تشریحی الهی، سبب می‌گشت تا این سیاست‌های عدالت‌گستر اجرا شوند. زیرا همان‌طور که پیش از این بیان کردیم تقویت همین باور، عامل ریشه‌ای در ایجاد و رشد ارزش‌های معنوی است. لذا این باور، در عصر نبوی موجود بود. اعتقاد به نبوت و پذیرش آیین وحدانی اسلام و التزام به قوانین آن، در پرتو همین باور و متصل دانستن رسالت پیامبر ﷺ به آن، نمود می‌یافتند.^۱ با شکل‌گیری باور و امید به هدایت تشریحی خداوند، غالباً قشر ضعیف و جوان از ارزش‌های مادی فاصله گرفته و در نتیجه با روحیه عدالت‌خواهی و با اختیار و اشتیاق، اسلام می‌آوردند.^۲ در بخش قبل گفتیم که دعوت به پرستش خدای یکتا و اقبال به یکتاپرستی، ارزش‌های مادی و بنیان اندیشه حقانیت صاحبان برتری مادی و حقانیت شریعت آنها را سست می‌کرد.^۳ این مسئله، از کرنش مردم در برابر نیروی برتر مادی اشراف و شریعت ناعادلانه آنها کاسته و زمینه عدالت‌خواهی و عدالت‌پذیری را در جامعه ایجاد می‌کرد. چه اینکه گرایش به یکتاپرستی به‌عنوان رکن اعمال صالح و در میان سلسله عوامل انگیزشی مرتبط با یکدیگر، ارزش‌های معنوی را بارور می‌کرد و به این وسیله، زمینه عدالت‌خواهی را توسعه می‌بخشید.^۴ البته مردم به مدد جهاد مسلمین با کفار و قدرت یافتن حاکمیت اسلامی، ترسی را که از قبایل برتر و قدرت‌های همسایه داشتند،^۵ زایل شده می‌یافتند و موانع از سر راه اسلام‌گرایی و اقبال ایشان به عدالت اسلامی، کنار می‌رفت. فرهنگ جهاد با مشرکین، از غلبه ارزش‌های معنوی و در واقع، از باور عمیق به هدایت تشریحی الهی متأثر بود.^۶ فرهنگی که زوال قدرت مادی سران مشرک را مقدمه برقراری حاکمیت الهی و جریان هدایت

۱. اعتقاد به نبوت، زیرمجموعه باور به ربوبیت تشریحی الهی است. (ر. ک: نور / ۵۴؛ ربیعی و نگارش، «رابطه ربوبیت توحیدی و عنایت الهی در نظام اندیشه قرآنی»، *تحقیقات کلامی*، ش ۱۵، ص ۵۵)
۲. بخشی از این مطلب، مبنای گزارشی است که ابن سعد از روند عمومی اسلام‌گرایی در آغاز دعوت اسلامی بیان نموده. (ر. ک: ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۱، ص ۱۵۶)؛ اما بخش دیگر آن براساس یک تحلیل است که می‌گوید جوانان و مستضعفین، جمعیت غالب اعراب را تشکیل می‌دادند و به دلیل روحیات خاص خود، کمتر به ارزش‌ها و اندیشه‌های جاهلی گرفتار می‌آمدند. لذا این جمعیت کثیر در تمامی مدت رسالت پیامبر ﷺ مشتاقانه به اسلام گرایش می‌یافتند و نمی‌توان این حقیقت را به اوائل عصر نبوی محصور کرد. (ر. ک: زورق، *شهر گمشده*، ص ۵۳۰ - ۵۲۶)
۳. ر. ک: بلاذری، *جمل من انساب الأشراف*، ج ۱، ص ۲۳۰؛ یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۲۴؛ طبری، *تاریخ الأمم و الملوک*، ج ۲، ص ۳۲۶؛ ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۲، ص ۶۴؛ بطروشفسکی، *اسلام در ایران*، ص ۲۶.
۴. ضمن اینکه روی کردن به یکتاپرستی، بر اثر اقبال به شریعت توحیدی بوده و گواه شکل‌گیری باور به هدایت تشریحی الهی و عمل به مقتضای این باور است.
۵. ر. ک: ابن کثیر، *البدایة و النهایة*، ج ۳، ص ۱۴۴.
۶. ر. ک: انفال / ۶۵؛ یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۴۴؛ طباطبایی، *المیزان*، ج ۹، ص ۱۲۲.

تشریحی خداوند می‌دانست. در اثر نبرد با جبهه شرک، قدرت برتر اقتصادی آن به چالش کشیده می‌شد. برخی از نبردها مانند سریه عبدالله بن جهش، برای بستن راه تجاری قریش صورت می‌گرفت.^۱ تا اینکه با پیروزی مسلمین در نبرد خندق، قریش به ناتوانی خود در شکست مسلمین در مدینه و نیز ناتوانی در آزادسازی مسیر تجاری شام، تن داد.^۲ درحالی که تلفات مشرکین در این نبرد، تنها سه^۳ یا هشت نفر بود.^۴ لذا از دست دادن ملاک‌های برتری مادی، اندیشه حقانیت قریش و کیش بت‌پرستی آنان را متزلزل می‌کرد و از انگیزه مشرکین در دفاع از آیین و قدرت خویش می‌کاست. در نتیجه، عامل برتری اقتصادی ایشان را به زیر می‌کشید. در نهایت، مسلمانان با فتح مکه و نبرد حنین و سپس جنگ تبوک، غلبه ظاهری قبایل عرب را نابود ساخته و قدرت امپراطوری‌های مجاور را نیز به چالش می‌کشیدند. لذا از ترس عرب نسبت به رؤسای قبایل برتری طلب کم شده و آزادانه، بیش‌ازپیش به سوی اقتصادی عادلانه گرایش می‌یافتند^۵ و این حقیقت، زمینه‌ساز رشد تبعیت مردم از قوانین اقتصادی اسلام می‌شد. بنابراین جهاد با کفار به تدریج و به سه شکل، جریان عدالت اقتصادی را هموار می‌کرد:

۱. با سست کردن پایه‌های ارزشی و شناختی که زمینه‌ساز تبعیض اقتصادی بودند.

۲. عملاً با زایل نمودن قدرت برتر و بلامنازع اقتصادی اشراف.

۳. با زایل نمودن ترس مردم به‌عنوان مانع اقبال آنان به آیین عدالت‌گستر اسلام.

خلاصه اینکه به دلیل وجود باور به هدایت تشریحی الهی، تئوری‌های عدالت‌گستر اسلام مبنی بر فقرزدایی و عطای حقوق زنان و یتیمان، عملی می‌گشتند.^۶ مطمئناً این نتیجه در پاره‌ای از اوقات می‌توانست، مستقیماً و بدون واسطه ارزش‌ها اتفاق بیفتد. هرچند به نظر می‌رسد که غالباً با واسطه تغییر ارزش‌ها بود. مثلاً وقتی ارزش‌های مادی زایل می‌شدند، گرایش‌های افراطی به کسب موقعیت برتر مادی کاهش یافته و امکان مبارزه پیامبر اکرم ﷺ با سبک‌هایی از معاملات مانند کم‌فروشی و

۱. ر. ک: ابن هشام، *السيرة النبوية*، ج ۲، ص ۵۰؛ طبری، *تاریخ الأمم والملوک*، ج ۲، ص ۴۱۰؛ ابن کثیر، *البدایة و النهایة*، ج ۳، ص ۱۴.

۲. ر. ک: پیشوایی، *تاریخ اسلام*، ص ۲۵۷.

۳. واقدی، *المغازی*، ج ۲، ص ۴۹۶.

۴. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۵۱.

۵. ر. ک: واقدی، *المغازی*، ج ۳، ص ۹۶۸ - ۹۶۴؛ ابن هشام، *السيرة النبوية*، ج ۲، ص ۵۵۹؛ پیشوایی، *تاریخ اسلام*، ص ۲۹۸؛ جعفریان، *تاریخ سیاسی اسلام*، ص ۲۵۶.

۶. ر. ک: نساء (۴) - ۲ و ۱۹ و ۲۲؛ ابن هشام، *السيرة النبوية*، ج ۲، ص ۶۰۴؛ طبری، *جامع البیان*، ج ۸، ص ۱۰۸؛ طباطبایی، *المیزان*، ج ۴، ص ۱۳۵ - ۱۳۴.

ربا که از گرایش گفته شده ریشه می گرفتند،^۱ فراهم می آمد.^۲ بنابراین باور به هدایت تشریحی خدا، در پذیرش برنامه های عدالت گستر اسلام تأثیر مستقیم و با واسطه داشت.

نقش عدالت اقتصادی در تعالی باور و ارزش های توحیدی عصر نبوی

گفتیم که جریان عدالت اقتصادی و اقبال به آن، از باور به هدایت تشریحی الهی متأثر می شد. اما سیاست های نهادینه کننده عدالت اقتصادی نیز به دو طریق زیر، در تقویت این باور مؤثر بودند:

۱. مالکیت اموال و مدیریت آن، نزد خدا و رسولش ﷺ بود.^۳ برای نمونه، پیامبر ﷺ مسلمانان را مأمور می کردند تا تمامی غنایم جنگی را به ایشان تحویل دهند، و امتناع از این عمل را غارت و دزدی پنهان می دانستند.^۴ غنیمت در شریعت اسلام و سیره رسول خدا ﷺ به عنوان هدیه الهی شناخته می شد، نه مالی که با غلبه به دست آمده باشد و پاداش جنگجویان محسوب گردد.^۵

۲. تقسیم اموال، طبق فرامین الهی و با تدبیر و صلاحدید پیامبر اکرم ﷺ انجام می شد^۶ و در برخی موارد، به طریق مساوات بود. مثلاً در نبرد بدر، غنایم حاصل از جنگ را به شکل مساوی میان مسلمین تقسیم نمودند.^۷ همچنین معیار این تقسیم مساوی از غنایم جنگی، تنها حضور در جبهه نبرد نبود. برای نمونه، در همان نبرد برای عثمان بن عفان نیز که به عذر پرستاری از خانواده خود در مدینه مانده بود، سهمی برابر سهم رزمندگان قرار دادند.^۸ و نیز پس از فتح خیبر، به جعفر بن ابی طالب و همراهانش که از دیار حبشه بازمی گشتند، سهمی برابر سهم رزمندگان عطا فرمودند.^۹ این شیوه، بر اساس اهمیت تقسیم مساوی نبود. زیرا همانطور که در ادامه مطالب بیان می گردد؛ سیره نبوی در عدالت اقتصادی، همواره به شکل مساوات جلوه نمی کرد. بلکه مبنای این شیوه را

۱. ر. ک: طباطبایی، *المیزان*، ج ۲، ص ۴۰۹؛ صفری، *نقش امام علی علیه السلام در زمان خلفای سه گانه (۱۱ - ۳۵ ق)*، ص ۴۲.
۲. ر. ک: بقره / ۲۷۹ - ۲۷۵؛ آل عمران / ۱۳۰؛ نساء / ۱۶۱؛ روم / ۳۹؛ مطففین / ۳ - ۱ و ۶ - ۴؛ واقعی، *المغازی*، ج ۳، ص ۹۶۸ - ۹۶۴؛ ابن هشام، *السیرة النبویة*، ج ۲، ص ۶۰۳.
۳. ر. ک: واقعی، *المغازی*، ج ۱، ص ۹۸؛ کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۴۰۶؛ متقی هندی، *کنز العمال*، ج ۱۱، ص ۱۴؛ طباطبایی، *المیزان*، ج ۹، ص ۱۰.
۴. دارمی، *سنن الدارمی*، ج ۳، ص ۱۶۱۸؛ بخاری، *صحیح بخاری*، ج ۹، ص ۴، ح ۶۸۷۳؛ ابن اثیر، *أسد الغابه*، ج ۱، ص ۲۹۱.
۵. ر. ک: عسگری، *معالم المدرستین*، ج ۲، ص ۱۰۳ و ۱۱۰ - ۱۰۷.
۶. ر. ک: واقعی، *المغازی*، ج ۱، ص ۹۸؛ طباطبایی، *المیزان*، ج ۹، ص ۱۰.
۷. واقعی، *المغازی*، ج ۱، ص ۹۹؛ ابن هشام، *السیرة النبویة*، ج ۱، ص ۶۴۳ - ۶۴۲ و ۶۶۷.
۸. ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۳، ص ۴۱.
۹. بخاری، *صحیح بخاری*، ج ۴، ص ۹۰.

باید در نکته‌ای که پیش از این عرض کردیم جستجو نمود. یعنی مالکیت اصلی غنایم و بیت‌المال، با خدا و رسولش ﷺ بود. مطابق فرهنگ اسلام عصر نبوی؛ غنیمت، مالی نبود که با غلبه به دست آمده و تنها پاداش جنگجویان باشد. پیامبر اسلام ﷺ در پی آن بودند که کسب غنیمت، ارزش نباشد. بلکه جهاد با کفار و استقامت در برابر آنان حتی با حضور فیزیکی نداشتن در نبرد، اهمیت یابد و غنیمت پاداش آن شود. اگر تمامی مسلمانان (اعم از حاضران در نبرد و غایبان) صلاحیت می‌یافتند و نیاز برابری به آن اموال داشتند، به شکل مساوی بین‌شان تقسیم می‌گشت. و اگر چنین نبود یا تنها نیاز از جانب یک طیف خاص مشاهده می‌شد، بخشی از بیت‌المال فقط در اختیار آنان قرار می‌گرفت یا در جهت رفع نیازشان خرج می‌شد. مثلاً راهکار پرداخت بدهی مسلمانی که از دنیا رفته و مالی از خود باقی نگذاشته و یا راهکار تهیه مخارج بازماندگان بی‌سرپرست، رجوع به صندوق بیت‌المال بود که بایست تحت ولایت رسول اکرم ﷺ انجام می‌گرفت.^۱ لذا هرچند برخی به اشتباه، به جای سخن کردن از مفهوم عدالت اسلامی، مساوات را به عنوان اصل اساسی مسائل اجتماعی، تلقی کرده‌اند.^۲ اما بخش‌هایی از سیره نبوی در عدالت اقتصادی، خلاف این فرض را بیان می‌کنند. برای نمونه، رسول خدا ﷺ غنایم حاصل از غزوه بنی‌نضیر را میان مهاجرین و دو نفر نیازمند از انصار، تقسیم نمودند.^۳ این اقدام، سیاستی فقر‌زدا بود و عدالت اقتصادی را پیاده می‌کرد.^۴ البته انصار به پیمان برادری خود، وفادار مانده و از غنایم جنگ با بنی‌نضیر صرف نظر می‌کردند تا مهاجرین بهره‌ای ببرند. مواسات و بخشش انصار، سپاس و تقدیر مهاجرین را بر می‌انگیخت و مورد تمجید وحی قرار می‌گرفت.^۵ همچنین رسول اکرم ﷺ در پاره‌ای موارد به حسب مصلحت، مانند جلب قلوب رؤسای قریش، سهم برخی را بیشتر قرار داده^۶ و یا سهم سواره را دو برابر سهم پیاده عطا می‌کردند.^۷

اما عدالت اقتصادی به دو طریق گفته شده، چگونه باور موجود به هدایت تشریحی الهی را تقویت می‌کرد؟ با قرار دادن مالکیت اموال، نزد خدا و رسول او و با تقسیم اموال بر طبق دستورات الهی و

۱. ر. ک: کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۴۰۶؛ متقی هندی، *کنز العمال*، ج ۱۱، ص ۱۴.

۲. ر. ک: شهیدی، *تاریخ تحلیلی اسلام*، ص ۱۳۳.

۳. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۴۹.

۴. ر. ک: سلیمانی، *تاریخ تحلیلی اسلام*، ص ۶۳.

۵. حشر / ۹؛ واقفی، *المنازی*، ج ۱، ص ۳۷۹؛ ابن کثیر، *البدایة و النهایة*، ج ۳، ص ۲۲۸.

۶. ابن هشام، *السیرة النبویة*، ج ۲، ص ۴۹۷.

۷. بخاری، *صحیح بخاری*، ج ۵، ص ۱۳۶.

صلاح‌دید نبی اکرم ﷺ، ضرورت باور به هدایت تشریحی خداوند و لزوم تمسک به مقتضای این هدایت، مورد توجه قلب‌ها و ذهن‌ها قرار می‌گرفت. لذا عدالت اقتصادی در عصر نبوی با تأکیدی که بر باور فوق داشت، می‌توانست ارزش‌های متناسب با این باور را در جامعه رونق ببخشد.^۱

این ارزش‌ها مهم‌ترین نیرو را برای تقویت بنیان حاکمیت توحیدی فراهم می‌کردند. همچنین عدالت اقتصادی با امیدوار ساختن مردم، سبب اقبال بیشتر به هدایت تشریحی خداوند بود. مردم نیز بر همین اساس، رسالت نبوی را در طول این هدایت و متصل به آن می‌شمردند. این عامل، تقویت بنیان حکومت اسلامی را رقم می‌زد. این عوامل، در اطاعت‌ورزی و رشد رفتارهای عبادی مؤثر بودند^۲ و از این طریق در قالب سلسله عوامل انگیزشی مرتبط با هم و تأثیرگذار بر ارزش‌ها، به تعالی بیشتر ارزش‌ها یاری می‌رساندند.^۳

در ابتدای این بخش، به پاره‌ای از ارزش‌های متعالی و علائم آن اشاره کردیم. در تحقیقات مرتبط، پیرامون این ارزش‌ها بحث شده^۴ و نیازی به طولانی نمودن سخن نیست. گواه اعتلای ارزش‌ها، شجاعت و استقامتی است که مسلمین در نبردها به خرج می‌دادند.^۵ هرچند روحیه پایداری آنان پس از نبرد بدر، کاهش می‌یافت.^۶ اما با وجود نقاط ضعفی چون فرار از پیکار احد^۷ و حنین،^۸ عزم و اراده جهادی مسلمین را تا پایان نبرد تبوک می‌توان دید.^۹ باور به هدایت تشریحی الهی و ارزش‌ها در این عصر، متحمل آسیب‌هایی که غالباً از سوی جریان نفاق شکل می‌گرفتند^{۱۰} نیز بوده‌اند. اما مسلماً همین مقدار از ارزش‌های متعالی که بخشی از وضعیت فرهنگی این عصر را تشکیل می‌دادند، تأثیر قابل‌توجهی را از جانب اجرای عدالت اقتصادی و سیاست‌های نهادینه‌کننده آن، پذیرا می‌شدند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. درحالی که مساوات، از چنین قابلیت‌های برخوردار نیست.
۲. ر. ک: خامنه‌ای، *انسان ۲۵۰ ساله*، ص ۳۳.
۳. رفتارها، از عوامل انگیزشی هستند که به واسطه شکل‌دهی ارزش‌ها، مجدداً بر رفتارها تأثیر می‌گذارند. (ر. ک: طباطبایی، *المیزان*، ج ۱، ص ۳۵۵ - ۳۵۴).
۴. برای نمونه، ر. ک: سلیمانی، *تاریخ تحلیلی اسلام*، ص ۶۱ - ۵۸.
۵. ر. ک: انفال / ۶۵؛ یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۴۴؛ طباطبایی، *المیزان*، ج ۹، ص ۱۲۲.
۶. انفال / ۶۶؛ طباطبایی، *المیزان*، ج ۹، ص ۱۲۵ - ۱۲۳.
۷. ر. ک: آل عمران / ۱۵۲؛ ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۲، ص ۳۲.
۸. توبه / ۲۵؛ واقدی، *المغازی*، ج ۳، ص ۹۰۴.
۹. ر. ک: واقدی، *المغازی*، ج ۳، ص ۹۹۱ - ۹۹۰؛ طبری، *تاریخ الأمم و الملوک*، ج ۳، ص ۱۰۱.
۱۰. مصباح یزدی، *آذرخشی دیگر از آسمان کربلا*، ص ۵۴ - ۵۳.



نتیجه

رویارویی مردم با رسالت توحیدی نبی مکرم اسلام ﷺ و اقبال به آن، باور به هدایت تشریحی الهی را در قلبها روشن می‌کرد. به این طریق با زنگارزدایی از قلوب، ارزش‌های توحیدی ایجاد می‌شدند. این ارزش‌ها، موجب اقبال مردم به عدالت و سیاست‌های عدالت‌پیشه اسلام بودند و به جریان عدالت اقتصادی، یاری می‌رساندند. اما سیاست‌های اسلام در اجرای عدالت اقتصادی، موجب تقویت باور فوق شده و از این طریق، ارزش‌های توحیدی را رشد می‌دادند. نیز عدالت اقتصادی با ایجاد امید نسبت به هدایت تشریحی الهی و رسالت نبوی، بنیان حاکمیت اسلامی را تقویت می‌کرد و رفتارهای توحیدی را رونق می‌بخشید. این رفتارها نیز سبب رشد ارزش‌های معنوی بوده‌اند. عدالت اقتصادی چون از باور و ارزش‌های توحیدی متأثر می‌شد و توحیدباوری را ارتقا می‌بخشید، توان بالایی در تعالی ارزش‌ها داشت.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، تحقیق سید رضی، تصحیح صبحی صالح، قم، مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۱۴ ق.
۳. آلوسی، محمود شکری، بلوغ الأرب فی معرفة احوال العرب، ج ۳ - ۱، تصحیح محمد بهجة الأثری، بیروت، دار الکتب العلمیة، بی تا.
۴. ابراهیمی ورکیانی، محمد، تاریخ تحلیلی اسلام از آغاز تا واقعه طف، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰ ش.
۵. ابن اثیر، علی بن محمد، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۶ - ۱، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ ق.
۶. ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۱۳ - ۱، بیروت، دار صادر، چ ۱، ۱۳۸۵ ق.
۷. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، ج ۸ - ۱، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، چ ۱، ۱۴۱۰ ق.
۸. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایة و النهایة، ج ۱۵ - ۱، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ ق.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۵ - ۱، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چ ۳، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویة، ج ۲ - ۱، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، بیروت، دار المعرفة، بی تا.

۱۱. امام چهارم شیعیان، علی بن الحسین علیه السلام، *صحیفه سجادیه*، قم، الهادی، چ ۱، ۱۳۷۶ ش.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، ج ۹ - ۱، تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر، بیروت، دار طوق النجاة، چ ۱، ۱۴۲۲ ق.
۱۳. البکری الأندلسی، أبو عیید عبدالله بن عبدالله العزیز، *معجم ما استعجم من أسماء البلاد و المواضع*، ج ۴ - ۱، بیروت، عالم الکتب، چ ۳، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. بلاذری، أحمد بن یحیی، *جمل من انساب الأشراف*، ج ۱۳ - ۱، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، چ ۱، ۱۴۱۷ ق.
۱۵. بینش، عبدالحسین، *مقایسه دو دوره جاهلیت و اسلام و علل گسترش اسلام*، بی‌جا، اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چ ۱، ۱۳۷۵ ش.
۱۶. پطروشفسکی، ایلیا پاولویچ، *اسلام در ایران (از هجرت تا پایان قرن نهم هجری)*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، چ ۷، ۱۳۶۳ ش.
۱۷. پیشوایی، مهدی، *تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله)*، قم، دفتر نشر معارف، چ ۳۷، ۱۳۹۷ ش.
۱۸. جعفریان، رسول، *تاریخ سیاسی اسلام تا سال چهارم هجری*، قم، مؤسسه در راه حق، چ ۱، ۱۳۶۶ ش.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله، *توحید در قرآن*، تنظیم حیدرعلی ایوبی و ویرایش حسین شفیعی، قم، اسراء، چ ۱، ۱۳۸۳ ش.
۲۰. حاج حسن، حسین، *حضارة العرب فی عصر الجاهلیة*، بیروت، المؤسسة الجامعیة للدراسات و النشر و التوزیع، چ ۲، ۱۴۰۹ ق.
۲۱. خامنه‌ای، سید علی، *انسان ۲۵۰ ساله*، تهران، مؤسسه ایمان جهادی، چ ۴، ۱۳۹۰ ش.
۲۲. خزاعی، زهرا، «باور دینی، انگیزش و التزام اخلاقی»، *الهیات تطبیقی*، ش ۱۲، ص ۸۵ - ۹۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ ش.
۲۳. خزعلی، انسیه، *تصویر عصر جاهلی در قرآن*، تهران، امیرکبیر، چ ۱، ۱۳۸۷ ش.
۲۴. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، *سنن الدارمی*، ج ۴ - ۱، تحقیق حسین سلیم دارانی، ریاض، دار المغنی، چ ۱، ۱۴۲۱ ق.
۲۵. دهقانی، محسن، *فروع حکمت* (ترجمه و شرح نه‌ایة الحکمه سید محمد حسین طباطبایی)، ج ۳ - ۱، قم، مؤسسه بوستان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۸ ش.

۲۴ □ فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دوره ۱۳، بهار ۱۴۰۱، ش ۴۶

۲۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق، دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۲۷. ربیعی، یدالله و حمید نگارش، «رابطه ربوبیت توحیدی و عنایت الهی در نظام اندیشه قرآنی»، *تحقیقات کلامی*، ش ۱۵، ص ۶۰ - ۴۵، زمستان ۱۳۹۵ ش.
۲۸. رجایی، سید محمد کاظم و سید مهدی معلمی، «درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص های آن»، *معرفت اقتصادی*، س ۲، ش ۲، پ ۴، ص ۳۰ - ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۰ ش.
۲۹. رضوانی، علی، *نظام اولویت بندی و سلسله مراتب ارزش های اخلاقی در قرآن*، قم، دانشگاه معارف اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
۳۰. زورق، محمد حسن، *شهر گمشده «فاطمه چه گفت...؟ مدینه چه شد...؟»*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۶، ۱۳۹۰ ش.
۳۱. سلیمانی، جواد، *تاریخ تحلیلی اسلام (از عصر جاهلی تا عصر عاشورا)*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ۲، ۱۳۹۱ ش.
۳۲. شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، *الملل و النحل*، ج ۲ - ۱، تحقیق محمد بدران، قم، الشریف الرضی، چ ۳، ۱۳۶۴ ش.
۳۳. شهیدی، سید جعفر، *تاریخ تحلیلی اسلام*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چ ۴۹، ۱۳۹۲ ش.
۳۴. صفری، ابراهیم، *نقش امام علی (ع) در زمان خلفای سه گانه (۱۱ - ۳۵ ق)*، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۸ ش.
۳۵. طباطبایی، سید محمد حسین، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، ج ۵ - ۱، مقدمه و پاورقی از مرتضی مطهری، تهران، صدرا، چ ۲، ۱۳۶۴ ش.
۳۶. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۲۰ - ۱، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۵، ۱۴۱۷ق.
۳۷. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *تاریخ الأمم و الملوک*، ج ۱۱ - ۱، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، چ ۲، ۱۳۸۷ق.
۳۸. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *تفسیر طبری* (جامع البیان فی تأویل القرآن)، ج ۲۴ - ۱، تحقیق احمد محمد شاکر، بیروت، مؤسسة الرساله، چ ۱، ۱۴۲۰ق.
۳۹. عاملی (شهید اول)، شمس الدین محمد، *المزار*، قم، مؤسسه امام مهدی، چ ۱، ۱۴۱۰ق.

۴۰. عبدالمحمدی، حسین و محمدعلی توحیدی، «نقش فرهنگ در توسعه اجتماعی با تأکید بر نقش باورها و ارزش‌های دینی (با مطالعه جامعه حجاز در عصر نبوی)»، *زبان و فرهنگ ملل*، ش ۲، ص ۳، ۱۶۸ - ۱۴۳، بهار و تابستان ۱۳۹۸ ش.
۴۱. عسگری، سید مرتضی، *معالم المدرستین*، ج ۳ - ۱، تهران، مؤسسة البعثة، چ ۴، ۱۴۱۲ ق.
۴۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، ج ۹ - ۱، قم، مؤسسة دار الهجره، چ ۲، ۱۴۰۹ ق.
۴۳. قاضی ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم و دیگران، *الخراج*، تصحیح عبدالله محمد صدیق و احمد محمد شاکر، بیروت، دار المعرفه، چ ۱، ۱۳۹۹ ق.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۸ - ۱، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۳۶۵ ش.
۴۵. کوئن، بروس، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه و اقتباس غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت، چ ۲، ۱۳۸۷ ش.
۴۶. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*، ج ۱۸ - ۱، تصحیح بکری حیان و صفوة سقا، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ ق.
۴۷. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، ج ۱۰۷ - ۱، تهران، اسلامیه، چ ۲، ۱۳۶۳ ش.
۴۸. محلوجی، زهره، *باز مرجعیت باورها و ارزش‌های جاهلی در سه دهه اول پس از رحلت رسول خدا*، قم، دانشگاه باقرالعلوم، ۱۳۸۹ ش.
۴۹. محمدی، محمد، *تأثیر روش تربیتی رسول خدا*، قم، دانشگاه باقرالعلوم، ۱۳۹۲ ش.
۵۰. مصباح یزدی، محمدتقی، *آذرخشی دیگر از آسمان کربلا*، ویرایش محمود پاک روان، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ۱۰، تابستان ۱۳۸۲ ش.
۵۱. مصباح یزدی، محمدتقی، *آموزش عقاید*، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ ۱۷، بهار ۱۳۸۴ ش.
۵۲. مصباح یزدی، محمدتقی، *حقوق و سیاست در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ۴، ۱۳۹۱ ش.
۵۳. مصباح یزدی، محمدتقی، *معارف قرآن*، ج ۳ - ۱، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ۴، ۱۳۹۱ ش.

۲۶ □ فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دوره ۱۳، بهار ۱۴۰۱، ش ۴۶

۵۴. نوری، نجیب‌الله، «عوامل و ساختار انگیزش رفتار انسان در اندیشه علامه طباطبایی»،

روانشناسی و دین، ش ۴۰، ص ۲۲ - ۵، زمستان ۱۳۹۶ ش.

۵۵. واقدی، محمد بن عمر، *المغازی*، ج ۳ - ۱، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، مؤسسه الأعلمی،

چ ۳، ۱۴۰۹ ق.

۵۶. یعقوبی، احمد بن اسحاق، *تاریخ الیعقوبی*، ج ۲ - ۱، بیروت، دار صادر، چ ۱، بی تا.

